



اعجاز پیامبر در مورد معاندین

آیت الله مجتبی تهرانى با تبیین مفهوم «نفرین» در معارف اسلامى تأکید کرد...

اعجاز پیامبر در مورد معاندین / معجزات انبیا بر محور دعا بوده است
آیت الله مجتبی تهرانى با تبیین مفهوم «نفرین» در معارف اسلامى تأکید کرد: پیغمبرى که مى‌خواهد از طریق اعجاز و آن هم با نفرین مبارزه کند، وقتى که مى‌بیند معاندین لج‌بازى مى‌کنند، آنها را نفرین مى‌کند؛ پس او دیگر نباید افراد موجود در عصر خودش را در نظر بگیرد. به تعبیر اهل علم، پیامبر باید «معجزه خالده» داشته باشد.
به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مجتبی تهرانى در دهمین جلسه سخنرانى خود که در ایام ماه مبارک رمضان با موضوع «نفرین» آغاز شده است، به بحث «نفرین» پرداخته است که در پی می‌آید:

أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛
#171؛ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا تَجَيَّيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

مرورى بر مباحث گذشته

بحث راجع به این بود که آنچه در ماه مبارک رمضان به آن ترغیب و سفارش شده، تلاوت آیات قرآنى و انجام دعا يعنى راز و نیاز و اظهار حاجت کردن در مقابل پروردگار است. البته باید از خداوند طلب خیر کرد، نه طلب شرّ. در این بحث وارد شدیم که نسبت به کفار، مشرکین و منحرفین دعای خیر کردن چگونه است؟ گفته شد این‌ها دو دسته هستند؛ یک دسته مستضعف هستند و دعا اشکال ندارد، اما در مورد آن‌هایی که معانداند این‌طور نیست و بعد گفتیم نه اینکه نسبت به معاند دعای خیر نکنند، بلکه نفرین هم جایز است.

در اینجا معاندین را دو دسته کردیم؛ یک دسته چهره‌های برجسته‌ای که در مسائل اجتماعى و سیاسى موجه‌اند و جهتش را هم گفتیم. دو؛ چهره‌هایی که از نظر مذهبى برجسته و از نظر دینی مورد اعتماد مردم هستند ولی در عین حال باطل و منحرفند؛ این‌ها هم معانداند. لذا عرض شد که پیغمبر اکرم مقید بود، اینها را به جامعه معرفی کند که مستضعفین اطراف آنها را نگیرند تا منحرف بشوند. این معاندین مضرّ جامعه هستند، چه در بعد عقیدتی، چه اخلاقى و چه اجتماعى. در این جلسه مطلب جدایی از آن‌ها خواهم گفت.

معجزه در مقابل معاند

یک وقت این است که می‌گوییم باید معاند را به جامعه معرفی کرد که افراد جامعه او را بشناسند تا اطرافشان را نگیرند و منحرف شوند. این مطلب را بحث کردیم و روایاتش را هم چه از نظر اجتماعى، چه از نظر مذهبى و.... خواندم. اما اینجا بحث دیگری بالاتر از این است و در آن بحث معجزات نسبت به انبیا را مطرح می‌کنیم. اشاره‌ای می‌کنم و بعد وارد بحث می‌شوم.

معجزات انبیا بر محور دعا

معجزات انبیا همه بر محور دعا بوده است. حضرت عیسی(ع) مرده را زنده می‌کرد. چگونه این کار را انجام می‌داد؟ با دعا زنده می‌کرد و این دعا، دعای به خیر بود. حضرت موسی(ع) عصایی که مى‌انداخت همه‌اش دعا بود. معجزات انبیا همه بر محور دعا بوده است. راجع به حضرت عیسی(ع) داریم که می‌گویند نماز می‌خواند و بعد از آن دعا می‌خواند؛ به همین وسیله مرده را زنده می‌کرد و معجزاتی که از او صادر می‌شد، این در بعد خیرات بود که چشمگیر است.

تمسک به دعا علیه معاندین

از طرف دیگر عکس این مطلب را می‌خواهم بگویم، یعنی انبیا با معاندین مواجه می‌شدند. حضرت موسی(ع) وقتى با فرعونیان مواجه شد، فقط مسئله عصا مطرح نبود، بلکه فهمید که آنها لج‌بازى می‌کنند و معاندند و دنبال حق و حقیقت نیستند. اینجا است که متمسک به دعا علیه آنها می‌شود، که در قرآن از آن به «عذاب الهی» تعبیر می‌کنند.

اگر بخواهم وارد شوم و انبیایی که قومشان را نفرین کرده‌اند در قرآن مطرح کنم، بسیار است. حضرت نوح(ع) است، لوط (ع) است، شعیب (ع) است، قدم حضرت موسی است؛ یک نفر یا دو نفر نیست؛ در سوره‌های مختلف است که یکی را به عنوان نمونه بیان می‌کنم.

از خدا بخواه که ما را عذاب کند!

&171#فَأَمَّنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ * وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُم لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ * إِنَّكُم لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ؛ دقت کنید! لجبازی می‌کنند، &171#إِنَّا أَنْ قَالُوا اتَّيْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ * قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ؛ هرچه دعوتشان کرد، نمی‌پذیرفتند. گفتند: اگر تو راست می‌گویی، از خدا بخواه که به ما عذاب بدهد! خیلی روشن، صریح و کوتاه بود. بعد گفت: &171#وَقَالَ رَبِّ انصُرْنِي؛ خداوند! کمک کن، اینها عذاب می‌خواهند؛ پس از بینشان ببر و خدا هم همین کار را کرد. چرا این کار را انجام داد؟ با این کار ایمان کسانی که ایمان آورده بودند، تحکیم کرد.

معاند لجباز

یک موقعی، کسی حرفی را نمی‌پذیرد اما لجبازی هم نمی‌کند، ولی آنکه معاند است لجبازی می‌کند. انبیا وقتی به جایی که اقوامشان سخنانشان را نمی‌پذیرفتند و لجبازی هم می‌کردند، می‌رسیدند، نفرین می‌کردند. در این آیه هم که خودشان خواسته‌اند و چه مقدار سطح فکری پایین بوده است.

تقویت مؤمنین و تضعیف معاندین در اعجاز پیامبران

مسئله این است که یک؛ انبیا برای تقویت اعتقاد کسانی که ایمان آورده بودند، وقتی کارشان به اینجا می‌کشد که می‌بینند در مقابلشان، معاندین این‌طور می‌ایستند، آنها را نفرین می‌کنند. دو؛ تضعیف منحرفینی که می‌خواهند جامعه را به انحراف بکشند. دو مطلب را گفتیم. یکی &171#تقویت است و دیگری &171#تضعیف؛ یعنی &171#تقویت مؤمنین» و &171#تضعیف معاندین». این مطلب مهمی است.

مسئله اعجاز در قرآن

بسیاری از انبیا هستند که قرآن، این مطلب را در مورد آنها نشان می‌دهد. راجع به حضرت شعیب در سوره اعراف آیات 88 تا 91 گفته است. راجع به حضرت موسی(ع)، سوره یونس را نگاه کنید. در مورد حضرت نوح(ع) چندین سوره وجود دارد و البته حضرت نوح را جدا بحث خواهم کرد. غرض این است که اهل تحقیق مراجعه کنند. سر مطلب این بود.

ایمان با معجزات

در گذشته گفتیم که دو گروه داشتیم، یکی مستضعفین بودند و دیگری معاندین. در ارتباط با این اشاره می‌کنم که مستضعف، خودش استضعاف فکری- استدلالی دارد، اما با آنچه که از معجزات می‌بیند، بر فطرتش ایمان آورده است.

اعجاز پیغمبر در مقابله با معاندین

معجزات را دو قسمت کردم؛ اول آن چیزهایی بود که خوب بود. اینکه می‌بینیم مرده را زنده می‌کند و هیچ‌کس هم نمی‌تواند این کار را بکند یا حضرت موسی عصا را انداخت و تمام سحرها را بلعید. این چیز عادی‌ای نیست و او براساس فطرتش، ایمان می‌آورد. در اینجا معاند می‌خواهد او را برگرداند و پیغمبر هم باید بینی‌اش را به خاک بمالد. پیغمبر می‌بیند که لجابت می‌کند و نمی‌خواهد مستضعفان ایمان بیاورند و اینکه خودشان هم نمی‌خواهند ایمان بیاورند، بلکه قصد دارند دیگران را هم به انحراف بکشند. در اینجا پیغمبر دعای نفرین می‌کند. او نفرین می‌کند که عذاب بیاید و موجب می‌شود که مؤمنین از نظر اعتقادی‌شان تقویت شوند و از آن طرف معاندین تضعیف می‌شوند.

شرايع مقطعی

در اینجا اشاره به نکته‌ای می‌کنم. نبوت، راجع به انبیا گذشته مقطعی بود، یعنی اَمَد داشت. به این معنی که چند سال بود و بعد

می‌رفت. از اولین که حضرت نوح بود تا شریعت‌هایی که یکی پس از دیگری آمدند این‌طور بودند. شرایعی که آمد ندارد؛ مقطعی نیست، بلکه «؛إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ است.

نگاه جامع‌نگر ادیان

بنابراین پیغمبری که می‌خواهد از طریق اعجاز و آن هم با نفرین مبارزه کند، وقتی که می‌بیند معاندین لج‌بازی می‌کنند، آنها را نفرین می‌کند؛ پس او دیگر نباید افراد موجود در عصر خودش را در نظر بگیرد. به تعبیر اهل علم، پیامبر باید معجزه‌خالده داشته باشد.

نبوت و اعجاز به سبب دعا علیه معاند

چه از آن طرف که قرآن بود و تا «؛يَوْمِ الْقِيَامَةِ معجزه‌خیر بود و چه از این طرف که راجع به عذاب است. به اشخاص کاری ندارم، البته در جلسه گذشته به اشخاص و گروه‌هایی که پیغمبر آنها را نفرین کرد، رسیدیم اما اینجا بحث دیگری است. صحبت در باب نبوتش است و اعجاز آن هم به سبب دعا بر علیه معاند صورت می‌گیرد. روایتی می‌خوانم که شاید همه شنیده باشید و تازه می‌فهمید که قضیه چه بوده است!

نفرین رسول‌خدا(ص) بر کسری

«؛أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَتَبَ إِلَى كِسْرَى؛ رسول‌خدا(ص) به کسری نوشت، «؛مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى كِسْرَى بْنِ هُرْمَزٍ أَمَّا بَعْدُ فَأَسْلِمُ تَسْلِمًا وَإِلَّا فَأَذُنُ بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى؛ نامه از محمد رسول‌خدا به کسری پادشاه ایران؛ اسلام بیاور تا سلامت بمانی و الا با خدا و رسولش اعلام جنگ ده، «؛وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى».

همه در تاریخ نوشتند: «؛فَلَمَّا وَصَلَ إِلَيْهِ الْكِتَابُ مَرَّقَهُ؛ وقتی که نامه پیغمبر به دست کسری رسید پاره‌پاره‌اش کرد، «؛وَأَسْتَحَفَّ بِهِ؛ توهین و بی‌احترامی کرد؛ «؛وَقَالَ مَنْ هَذَا الَّذِي يَدْعُونِي إِلَى دِينِهِ؛ کسری گفت: این چه کسی است که مرا دعوت به دینش می‌کند؟ «؛وَيَبْدَأُ بِاسْمِهِ قَبْلَ اسْمِي؛ و اول اسم خودش را می‌آورد و بعد اسم من را، «؛وَبَعَثَ إِلَيْهِ بِنَرَابٍ؛ مشتی خاک برداشت، درون چیزی ریخت و برای پیغمبر فرستاد.

وقتی خاک را آوردند و گفتند که او این کار را کرد؛ حضرت نفرینش کرد. این نفرینی که کرد معجزه بود. اما اعجازش ابدالدّهری بود، یعنی بعد از کسری را هم فرمودند: «؛فَقَالَ (ص) مَرَّقَ اللَّهُ مَلَكُهُ كَمَا مَرَّقَ كِتَابِي؛ خدا حکومتش را پاره پاره کند همان‌طور که نامه مرا پاره کرد، «؛أَمَّا إِنَّهُ سَتَمَرَّقُونَ مَلَكُهُ؛ به یارانش رو کرد فرمود: شما بدانید که به زودی حکومت همین کسری را پاره‌پاره می‌کنید، «؛وَبَعَثَ إِلَيَّ بِنَرَابٍ؛ برای من مشتی خاک می‌فرستد! اما بدانید، «؛أَمَّا إِنَّكُمْ سَتَمَلِكُونَ أَرْضَهُ؛ به زودی شما مالک ملک و زمین او می‌شوید.

معجزه نفرین پیامبر

توجه کنید! جریان چه بود؟ او را در آینده نفرین کرد و فرمود به دست شما تحقق پیدا می‌کند و درست بعد از وفات پیغمبر اتفاق افتاد. اما این چه بود؟ این از معجزات پیغمبر است و در ردیف آن‌هایی قرار می‌گیرد که پیغمبر نفرین کرده است. در ارتباط با آنها است و از معجزات است. ما نسبت به ائمه(علیهم‌السلام) هم داریم. به مناسبتی که می‌خواهم وارد توسل شوم، جملاتی از حسین(ع) که کسی را در روز عاشورا نفرین کرده، می‌گویم.

تیر نفرین حسین(ع) به جان دشمن خدا

شخصی به نام «؛عبدالله بن حصین از دی»، به امام حسین(ع) رو کرد و گفت: «؛يَا حُسَيْنُ أَلَا تَنْتَظِرُ إِلَى الْمَاءِ كَأَنَّهُ كَيْدُ السَّمَاءِ؛ می‌بینی که این آب مثل آسمان می‌درخشد؟ «؛وَاللَّهِ لَا تَذُوقُونَ مِنْهُ قَطْرَةً وَاحِدَةً حَتَّى تَمُوتُوا عَطَشًا؛ به خدا قسم شما از این آب حتی یک قطره هم نمی‌چشید مگر اینکه همه‌تان از تشنگی می‌میرید، «؛فَقَالَ الْحُسَيْنُ (ع): اللَّهُمَّ اقْتُلْهُ عَطَشًا وَ لَا تَقْفِرْ لَهُ أَبَدًا؛ نفرینش کرد؛ گفت: خدایا او را با تشنگی بکش و هیچ‌گاه نبخش!

اثر نفرین

می‌دانید که «؛حمید بن مسلم واقع‌نگار کربلا است و غالباً هم از او نقل می‌کنند. می‌گوید: به‌خدا قسم او مریض شد و به عیادتش رفتم. استسقاء گرفته بود. می‌دانید استسقاء یعنی چه؟ یعنی عطش. تا گلویش آب می‌خورد، اما بالا می‌آورد و می‌گفت:

واعطشا! و باز می خورد. می گوید: آن قدر خورد تا مرد. نفرین امام حسین (ع) و اولیاء خدا این طور است.

می خواستم این را بگویم که ای خبیث! آخر بگو که وقتی بزرگان با تو می جنگیدند، زن و بچه ها چه کار کرده بودند، که آب را بر روی آنها بستی؟ برجسته ترین چیز از نظر عطش در روز عاشورا این است که مگر بچه شیرخواره چقدر آب می خواهد؟